

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۱۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۰

مؤلفه‌های مدیریت آرمانی دولت جهانی موعود

حسین خنیفر*، احمد خنیفر**،
علی علی مددی***، سیدمجتبی حسینی فرد****

چکیده

مدیریت به عنوان یکی از ارکان نظام بشری، از یک طرف، دیرینگی موضوعی و تمدنی دارد و از طرف دیگر، در ادیان مطرح است. آخرالزمان و عصر ظهور، یکی از ابعاد ناشناخته در نظام ارزشی مدیریت است. حکومت و دولت موعود و مؤلفه‌های آن در آخرالزمان، از مباحث مهم نظام اسلامی به ویژه در مکتب تشیع به شمار می‌آید. در این مقاله، به الگوی مدیریتی عصر ظهور با استناد به آیات و روایات و استخراج یک مدل مفهومی از مدیریت حضرت امام مهدی عج ناظر بر ابعاد تغییر و نیز ریشه‌دار در تحولات جهان امروز و آینده، پرداخته شده است. همچنین سعی کرده‌ایم تا فتح بابی از بحث اصلاحات، عدالت، برنامه اقتصادی، آموزشی، قضاوت، مشارکت و مبحث مهم تغییر در حکومت موعود داشته باشیم. مدیریت اجرایی، رفتاری، قضایی، اقتصادی و اجتماعی، مؤلفه‌های اصلی این مقاله را شامل

* دانشیار دانشگاه تهران.

** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری معارف اسلامی (گرایش فقه و اصول). (hkhanifar@yahoo.com)

*** کارشناس ارشد مدیریت اجرایی گرایش استراتژیک.

**** کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی.

می‌گردد. در این مقاله، سعی بر آن شده تا با این نگاه نو، مؤلفه‌های مورد نظر در حکومت حضرت مهدی علیه السلام با استفاده از آیات و روایات تبیین و تفسیر شود تا با الگوگیری از آن، زمینه تحقق دولت کریمه حضرتش تسهیل گردد.

واژگان کلیدی

موعود جهانی، دولت جهانی، مدیریت تغییر، مدیریت اجرایی عصر موعود، مؤلفه‌های مدیریت آرمانی.

مقدمه

مهم‌ترین نقشی که اسلام در ابعاد تئوریک و همچنین در روش‌های علمی مدیریت ایفا می‌کند، از طریق تأثیر ارزش‌های اسلامی بر مدیریت است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۲۶۵) این مهم، در مطالعات تطبیقی بین تئوری‌های مدیریت و نگاه نظام ارزشی مشهود است. مدیر در نظام توحیدی، در عین داشتن اختیارات فراوان و فرصت‌های خلاقانه، هیچ‌گاه نمی‌تواند از مدار تعیین شده عدول کند. هر کس در مسند مدیریت قرار می‌گیرد، باید بکوشد تا صفات الهی را هر چه بیش‌تر در خود متجلی نماید؛ زیرا مشارکت و حضور در زنجیره مدیریت نظام اسلامی، شایسته کسانی است که عالم، عارف و عامل به حدود الهی هستند و در این میان، هر کس بیش‌تر از دیگران خود را به صفات الهی متصف نماید، از شایستگی بیش‌تری برای رهبری و مدیریت برخوردار خواهد بود.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که با شرایط ویژه‌ای که اسلام برای فرد مدیر تعیین می‌کند، چه کسی این شرایط را در حد اعلا دارد و در رعایت حدود الهی و اعمال حکومت بر جامعه مسلمین شایسته‌ترین است؟ آیا جز امام معصوم علیه السلام کسی می‌تواند این مدیریت خطیر را در یک حکومت جهانی به عهده بگیرد؟ بی‌شک تنها امام معصوم علیه السلام چنین مسئولیت سنگینی را می‌تواند بر عهده گیرد که در عصر حکومت جهانی، حضرت مهدی علیه السلام است. آن حضرت بهترین مدیر و شیوه مدیریت اش - که برگرفته از اصول و ارزش‌های اسلامی است - کاراترین و اثربخش‌ترین سبک مدیریت است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که امور به دست حضرت صاحب الامر علیه السلام می‌رسد، خدای تبارک و تعالی، هر زمین پستی را برای او بالا می‌برد و هر زمین بلندی را پایین می‌آورد تا این که همه جهان همانند کف دست او برایش آشکار شود. (الکاظمی، ۱۴۱۰: ۲۶۴)

همچنین در زیارت صاحب الامر علیه السلام می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَالْعَدْلِ الْمُسْتَهْتَرِ؛ (قمی، ۱۳۸۵: ۱۰۲۹)



سلام بر آن قیام‌کننده‌ای که همه در انتظار او هستند و کسی که به عدالت شهرت دارد. این نگرش، تعیین کننده نوع مدیریت و اداره جهان در عصر ظهور است؛ زیرا قرار است در این نوع اداره جهانی، دو مؤلفه «عدالت محوری» و «قسط‌گرایی» ظهور یابند (تونه‌ای، ۱۳۸۳: ۴۸۴).

بیان مسئله

پیشرفت جوامع، به کوشش‌های گروهی بستگی دارد. همچنان که گروه‌های سازمان یافته، گسترش می‌یابد، عملکرد مدیریت و مدیران از اهمیت بیش تری برخوردار می‌گردد (یارمحمدی و زارعی‌متین، ۱۳۸۱: ۳۴). مطالعات و تحقیقات عمیق در امور اجتماعی، مفاهیم مدیریت از دیدگاه اسلام و فرهنگ اسلامی در محیط کار، در حد نیاز صورت نپذیرفته است (همو: ۹۵-۹۶).

برای شناخت مدیریت درست و اصول مدیریت متکامل و مترقی منطبق با نیازهای یک جامعه ایده‌آل اسلامی، باید تئوری‌های مدیریتی جهان را شناخت و از ضعف‌ها یا ویژگی‌های مثبت آن‌ها اطلاع کافی به دست آورد؛ آن‌گاه از ره‌آورد تجربیات ارزشمند مدیریت‌های موجود بهره‌مند گردید (دشتی، ۱۳۸۰: ۱۱۳)؛ سپس نگاه اصیل و فاخر را به سمت مدیریت مصلح جهانی معطوف نمود.

امروزه، مدیریت‌ها در جوامع - پیشرفته و غیرپیشرفته - در به نمایش گذاشتن خواسته‌های فطری و رشد انسان کمال‌جو، ناکارآمد هستند (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۵: ۲۰).

از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امروز بشر که آرامش حیات و راحت‌مات را از او سلب کرده، دنیا را برای او مبهم و آخرت را از و هم‌آکنده ساخته، شناختن شخصیتی است که بتواند آسایش و آرامش را برای انسان تأمین کند و او را به حق آشنا سازد و در مسیر آن پویا گرداند و ملاک انسانیت باشد. امروزه این ویژگی کمال و ملاک انسانیت - که اعتدال فکری، عقیدتی، روحی و عملی انسان را تأمین و تضمین می‌کند - در عرصه ظهور و دست‌رس جامعه کنونی نیست. از این رو بشر، همواره دنبال گمشده‌ای می‌گردد که وجود او را حتمی می‌داند اما به راه شناختش پی نبرده است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۸).

برای نجات و رهایی از این فضای اومانستی که بشر را در خود گرفتار کرده است، باید دنبال یک مدیریت برتر باشیم؛ مدیریتی که بر ارزش‌های الهی مبتنی بوده و بر عهده یک انسان کامل و امام معصوم علیه السلام باشد. این مهم ما را بر آن می‌دارد تا میراث دینی و بالخصوص

میراث شیعه را متأملانه بازنگری کنیم و به مؤلفه‌های مدیریت موعود بپردازیم که نوع آرمانی و جهانی است (رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۹ - ۲۰).

بنابراین در این پژوهش، دنبال بررسی مؤلفه‌های مدیریتی حکومت امام زمان علیه السلام به عنوان اثربخش‌ترین و کاراترین الگوی مدیریتی هستیم تا بتوانیم از طریق ارائه آن به جامعه جهانی، گامی مؤثر در جهت آسایش، امنیت و رفاه بشر برداریم.

اهمیت و ضرورت بحث

تدوین و ارائه الگوهای مدیریتی یا فلسفه مدیریت و اداره امور جامعه در هر کشور و نظامی، خواه ناخواه بر مکتب و نوع اعتقاد بشر و ارزیابی درباره هستی و بر نوعی تفسیر و تحلیل از جهان، مبتنی است. اگر مدیریت را نوعی ایدئولوژی بدانیم، یعنی یک نوع بایدها و نبایدها فرض کنیم، بایدها همیشه از هستی‌ها یعنی جهان بینی سرچشمه می‌گیرد. اگر هستی‌ها را ندانیم، بایدها را نخواهیم دانست. لذا تمام نظام‌های اجتماعی، بر نوعی جهان بینی متکی هستند. هدف‌های یک مکتب و روش‌ها و بایدها و نبایدهای آن، همه بر طراحی و تدوین نظام‌های اجتماعی و اداره امور سازمان‌ها تأثیر می‌گذارد (زارعی متین و شهبازی، ۱۳۸۲: ۶۲). با توجه به مشکلات جوامع امروزی و صلاحیت نداشتن حاکمان آن‌ها در اداره جامعه و رساندن بشر به سعادت و امنیت، ضروری است که یک شیوه اداره دولت و حکومت (شیوه مدیریتی) جدید و موفق عرضه شود. از سوی دیگر، خلاصه و حقیقت مهدویت، منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، همکاری، همبستگی همگانی، حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل (انفال: ۷ - ۸)، غلبه جنود «الله» بر جنود «شیطان»، نجات مستضعفان و نابودی مستکبران (قصص: ۵)، و خلافت مؤمنان و شایستگی (انبیاء: ۱۰۵)، به رهبری ابرمردی الهی است که موعود انبیا و ادیان و دوازدهمین وصی پیغمبر آخرالزمان است. این محتوا و این هدف و این پایان و عاقبت، مطلوب هر فطرت و خواسته وجدان هر انسان است (روم: ۳۰).

در نتیجه، انجام دادن چنین تحقیقی در مورد مؤلفه‌های مدیریتی در حکومت امام زمان علیه السلام در حکومت جهانی اسلامی (آخرین دولت) در این اوضاع زمانی و مکانی، لازم به نظر می‌رسد، تا از این راه بتوانیم آینده خوبی را در پرتو احکام و قوانین الهی برای خود تضمین کنیم؛ زیرا وقتی بدانیم مدیریت اسلامی چگونه است و شیوه مدیریتی امام معصوم چیست، آن‌گاه می‌دانیم که چگونه باید باشیم و چگونه باید عمل کنیم تا مسیر رسیدن به چنین

دولتی را کوتاه‌تر نماییم. درباره حکومت موعود و آرمان‌های آن با عنایت به میراث دینی موجود در دین اسلام و ادیان مختلف، این مهم جای بررسی و تحلیل ویژه‌ای دارد که در این مقاله با عنایت به نیاز عصری و اقبال به مباحث موعودشناسی از ضرورت تامی برخوردار است.

اهداف پژوهش

هدف اصلی: بررسی و مطالعه مؤلفه‌های الگوی مدیریتی موعود (حکومت حضرت مهدی علیه السلام) بر اساس احادیث و روایات معتبر:

- فرعی ۱: بررسی مؤلفه‌های اختصاصی در الگوی مدیریتی موعود بر اساس نصوص معتبر؛

- فرعی ۲: بررسی الگوی مدیریتی موعود از جهت رفتاری، اجرایی، قضایی و اقتصادی؛

- فرعی ۳: بررسی برنامه‌های مدیریت نظام موعود با استناد به آیات و روایات.

مروری بر مبانی نظری پژوهش

تبارشناسی واژه موعود

موعود یکی از لقب‌های بسیار معروف حضرت امام مهدی علیه السلام است. این لقب از آن جهت به آن حضرت داده شده که انبیای الهی نوید ظهور ایشان را به تمام امت‌ها داده‌اند؛ لذا ظهور منجی بزرگ الهی در آخرالزمان که جهانیان را از یوغ ظلم و ستم رهایی خواهد بخشید، به عنوان عقیده‌ای عمومی و همگانی مطرح است و او را از آن جهت منتظر می‌نامند که شیعیان در انتظار او به سر می‌برند (تونه‌ای، ۱۳۸۳: ۶۹۹ و ۷۰۶)؛ چنان‌که در دعای افتتاح نیز کرامت دولت موعود و عزت اسلام و انسان در سایه آن، آرزویی است که دوست‌داران حق و عدل به آن دل سپرده‌اند:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعْزِبُهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا التِّفَاقَ وَأَهْلَهُ؛
(قمی، ۱۳۸۵: ۳۶۸)

خدایا، ما به تو امید و اشتیاق داریم که دولت باکرامت آن امام زمان را به ظهور آوری و اسلام و اهلش را به آن عزت بخشی و نفاق و اهل نفاق را خوار گردانی.

مدیریت اسلامی

ادبیات اندکی به بررسی ارتباط بین فعالیت‌های اسلامی و اعمال و رفتار مدیریت پرداخته و پیشینه کمی در این زمینه وجود دارد، (Abuznaid: 2006, 126) اما تعبیر «مدیریت اسلامی»، حاکی از این است که مدیریت می‌تواند دارای دو وصف اسلامی و غیراسلامی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۱۹).

مدیریت اسلامی به معنای تأثیرگذاری اسلام از طریق نظام ارزشی در مدیریت خرد و کلان است (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۲۸۸)؛ در نتیجه می‌توان گفت: مدیریت اسلامی شیوه به‌کارگیری منابع انسانی و امکانات مادی، برگرفته از آموزه‌های اسلامی برای نیل به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام است (آقایپروز و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۱).

در تعریفی دیگر، مدیریت اسلامی، هنر و علم به‌کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی است، به طوری که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد (نبوی، ۱۳۷۳: ۳۳؛ مطهری، ۱۳۶۰: ۶۷).

این منظومه ارزشی و آرمانی و جاویدان، می‌تواند برای همه عصرها و نسل‌ها قانون عرضه کند. فرآیند قانون‌سازی و مکتب‌آفرینی آن، این‌گونه است که مثلاً از علم اقتصاد که فرآورده بشری است، تغذیه می‌کند و آن را در چارچوب خویش به سنجش می‌گذارد و به تعدیل و ترمیم آن می‌پردازد و پارادایم اقتصادی یا مکتب و دکتترین اقتصادی اسلام را عرضه می‌کند. همچنین می‌تواند با علم مدیریت نیز چنین تعاملی داشته باشد و مکتب مدیریتی اسلام یا پارادایم مدیریت در اسلام را عرضه کند. بنابراین، فرآیند نظام‌سازی یا مکتب‌آفرینی یا پارادایم مدیریت، عبارت است از «نظام ارزشی ثابت که از آن مکتبی مدیریتی به دست می‌آید که در حقیقت، مجموعه‌ای از ارزش‌های مدیریتی آن نظام است» (قوامی، ۱۳۸۳: ۵۶). این مطلب، هم‌افق و هم‌جهت با «مدیریت اقتضایی» است که از پیشرفته‌ترین نظریه‌ها در جهان مدیریت محسوب می‌شود.

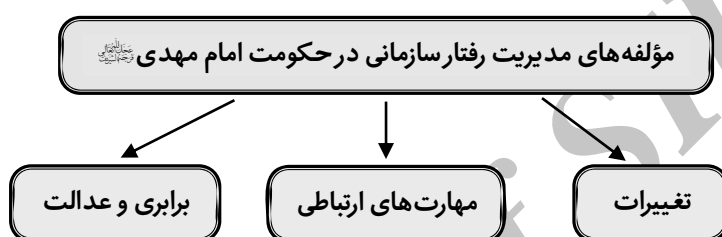
بنابراین، مبانی مدیریت اسلامی، با نظریه مدیریت اقتضایی هماهنگ است که خود مکتب مدیریتی به شمار می‌آید؛ یعنی علم مدیریت که برخی آن را تجربی و بعضی انسانی می‌دانند، با اقتضانات فرهنگی و تمدنی مطابق است و دستگاه ارزشی ثابت آن، شکل می‌گیرد (همو: ۵۷). این پارادایم، بر تفکر مستقل، نظامی مطابق با الگوی توسعه اسلام، مبتنی است و تقلیدی، غیر واقعی و نامتناسب نیست، بلکه پاسخ‌گوست و کم‌ترین عوارض منفی را به دنبال دارد؛ نه جامد است و نه رها و بی‌حساب (کوهن، ۱۳۷۳: ۱۳۵). با توجه به این مطالب، مدیریت اسلامی را این‌گونه می‌توان تعریف کرد:

مدیریت اسلامی عبارت است از: تئوری‌های مبتنی بر مجموعه تعاملات میان کارکنان و مدیران سازمان در بستر فرهنگی، اجتماعی و اسلامی در زمینه مسائل سازمانی، با رویکرد علمی و معطوف به هدف که در چهارچوب قید احترازی فقه اسلامی و در جهت اهداف سازمانی و همگام با آن انسانی نمودن روابط افراد درون سازمان عمل می‌کند.

اصول مدیریت اسلامی عبارتند از:
 ۱. حکومت و مدیریت اسلامی؛ ۲. برنامه‌ریزی؛ ۳. سازمان‌دهی؛ ۴. انگیزش؛ ۵. رهبری؛
 ۶. سلوک مدیریت؛ ۷. کنترل؛ ۸. پی‌گیری؛ ۹. تصمیم‌گیری.

مدیریت رفتار سازمانی در حکومت موعود

در ادامه، با عنایت به ضرورت تحلیل مؤلفه‌های مدیریت رفتار سازمانی موعود، آن را در قالب مدلی مفهومی بررسی می‌کنیم.

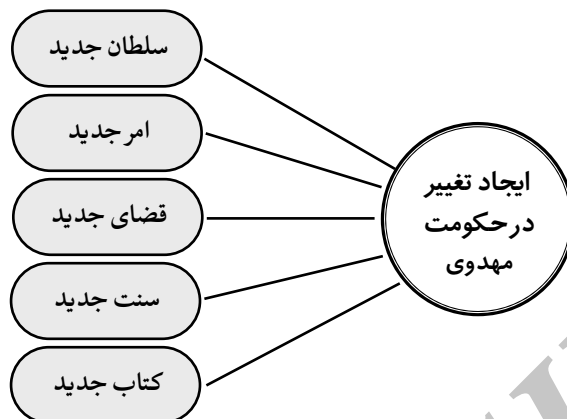


نگاره شماره ۱. مؤلفه‌های مدیریت رفتار سازمانی در حکومت امام مهدی (عج)

مؤلفه اول: تغییرات

واژه تغییر، ترجمه کلمه «Change» و مدیریت تغییر، تحت عنوان «Change Management» آمده است (زمردیان، ۱۳۷۹: ۲۴۵). اهداف تغییر، شامل افزایش سازگاری بین ساختار، فرآیندها و استراتژی، افراد و فرهنگ سازمان و ایجاد و توسعه راه‌حل‌های نو و خلاقانه در سازمان و توسعه توانایی نوسازی خویشتن در سازمان است (وندال، سیسیل، ۱۳۷۹: ۲۶ - ۲۷). تغییر، به‌ویژه در سازمان‌های جدید اجتناب‌ناپذیر است. درست همان‌طور که چاره‌ای از تغییر نیست، مقاومت هم اجتناب‌ناپذیر است (McKay, 1983: 99).

حکومت مهدوی و تغییر: عناوین گوناگونی برای حکومت مهدوی دربارهٔ مبحث تغییرات اجتماعی آمده که در همهٔ آن‌ها صحبت از تغییرات گسترده در نحوهٔ اداره جامعه است. چنین تغییرات وسیعی، مدیریت خاصی را در این زمینه می‌طلبد. حضرت مهدی (عج) نیز این تغییرات را به صورت مستمر و همچنین متناسب با رشد عقلانی، سطح توانایی‌ها و ادراک مردم انجام می‌دهد.



نگاره شماره ۲. ابعاد تغییر در حکومت مهدوی

در جدول زیر، ابعاد تغییر در حکومت مهدوی به پنج قسمت، دسته‌بندی شده است:

جدول شماره ۱: ابعاد تغییر در حکومت مهدوی (رضوانی، ۱۳۸۴: ۶۲۳ - ۶۲۵)

عنوان تغییر	مفهوم نظری تغییر	تعابیر مختلف از مفهوم کاربردی تغییر
یاتی بسط‌السلطان جدید (مجلسی، ۱۳۶۱: ج ۵، ۲۳۰، ۲۳۱ ح ۹۶)	احیای حکومت‌داری و دولت الهی	اسلوب و روش جدید در اداره حکومت و شئون اجتماع که بشر نظیر آن را در هیچ نوع از حکومت‌ها و دولت‌ها ندیده است؛ سلطنتی که در مقایسه با سلطنت‌ها و حکومت‌های سابق بر خود جدید است، ولی تجدیدکننده حکومت و سلطنت رسول خدا ﷺ است.
یاتی بامر جدید (همو)	احیای اوامر جدید اسلام	امر جدید به معنای طلب جدید است که طلب فعل یا طلب ترک را شامل می‌شود؛ یعنی مجموعه‌ای از احکام جدید برای حکم به واقع؛ روش و برنامه فکری و عقیدتی جدید با روش‌های نو که در برخی از روایات به آن اشاره شده است؛ همان‌گونه که در آیه «اولی الامر» اشاره گردیده، از آن‌جا که امارت و خلافت حضرت مهدی <small>عجله الله تعالی فرجه</small> با سایر خلافت‌ها متفاوت است، در مقایسه با آن‌ها جدید به حساب می‌آید.
یاتی بقضاء جدید (همو: ۳۴۲، ج ۹۹)	احیای سنت و قضاوت جدید	خطوط جدید با برنامه‌های بسیار متنوع و پیشرفته برای بشر در عصر ظهور؛ داشتن اسلوب جدید در قضاوت و فصل خصومت بین مردم: همان‌گونه که در روایات به آن اشاره شده که حضرت به حکم داوود نبی <small>علیه السلام</small> عمل خواهد نمود و درخواست بیینه و دو شاهد عادل نمی‌کند.

<p>روش حکومتی و اسلوب خاص حضرت در حکومت‌داری، به دلیل حکم به واقع، حکومت در سطح گسترده و عالمی، و رسیدن بشر به مستوای عالی فکری و پیشرفت عقلانی در عصر ظهور؛ سنت و روش حکومتی شبیه پیامبر ﷺ و متفاوت با روش‌های مردمی که قبل از حکومت حضرت بر مردم حاکم بوده است.</p>	<p>احیای سنت و سیره جدید حکومتی</p>	<p>یاتی بسنته جدیدة (همو: ۲۳۰، ج ۹۶)</p>
<p>آوردن قرآن جدید که قطعاً این احتمال باطل است؛ زیرا امت اسلامی اتفاق دارند بر این‌که در قرآن نقصان و زیادتی ایجاد نشده و نخواهد شد؛ آوردن قرآن (با تقدیم و تأخیر در آیات) آن‌گونه که در عصر رسول خدا ﷺ بوده، که با قول به این‌که قرآن به امر رسول خدا ﷺ تدوین شده سازگاری ندارد. آوردن قرآنی که امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> تدوین کرده و متنش همین قرآن موجود است ولی با بیان شأن نزول، تفسیر برخی آیات، ذکر ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید و ... این احتمال به واقع نزدیک‌تر است. معارف و مفاهیم والایی که امام <small>علیه السلام</small> از آیات برداشت می‌فرماید و به مردم عرضه می‌کند؛ معانی‌ای که برای آنان تازگی دارد و گویا کتابی با مفاهیمی جدید آورده است.</p>	<p>احیای مفاهیم عمیق کتاب الهی</p>	<p>یاتی بکتاب جدید (همو: ۲۹۴، ج ۴۲)</p>

مدیریت مقاومت در برابر تغییر: سازمان‌ها بیش‌تر با فشارهای مستمر برای تغییر مواجه هستند. همان‌طور که تغییر اجتناب‌ناپذیر است، وجود مقاومت در برابر آن نیز حتمی است. سازمان‌ها هم باعث ایجاد تغییر و هم باعث ایجاد مقاومت در برابر تغییر می‌شوند (مورهد، ۱۳۷۴: ۵۱۷). مدیران به منظور مدیریت مقاومت در برابر تغییر، باید علل مقاومت در برابر تغییر را کاملاً درک کنند (Gattiker, 1990: 311).

از نظر دانشمندان، افراد به علل گوناگون در برابر تغییر، واکنش منفی نشان می‌دهند:

جدول شماره ۲: علل گوناگون واکنش منفی در برابر تغییر

مطرح‌کننده	علت واکنش منفی در برابر تغییر
Lawrence (Lawrence, 2001: 133), 2001 Stoner & Wankel (Stoner, Wankel, 1986), 1986	<ul style="list-style-type: none"> - نداشتن اطمینان در مورد علل و آثار تغییر؛ - نداشتن تمایل برای از دست دادن مزایا و منافع فعلی؛ - آگاهی از ضعف‌های تغییرات پیشنهادی.
Moorhead & Griffin (Moorhead, Griffin, 1992), 1992	<ul style="list-style-type: none"> - عادت؛ - امنیت؛ - عوامل اقتصادی؛ - ناآگاهی؛ - ترس از ناشناخته؛ - عوامل اجتماعی
Gordon et al (Judith R., Monday, sharplin, Peremeaux, 1990), 1990 ولونن برگ و ارنستاین ۱۹۹۱	<ul style="list-style-type: none"> - ناراحتی از کنترل؛ - منابع محدود؛ - کهنگی دانش و مهارت؛ - تهدید در برابر قدرت و نفوذ؛ - ساختار سازمانی (اختلاف نظر)

روش های زیر نیز به عنوان راهکارهای کاهش ایستادگی در برابر تغییر برشمرده شده است:

جدول شماره ۳: راهکارهای کاهش ایستادگی در برابر تغییر

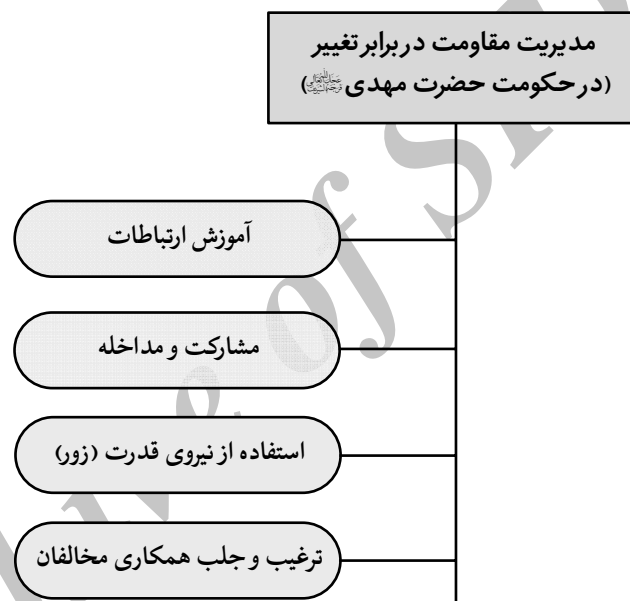
راهکارهای کاهش ایستادگی در برابر تغییر
آموزش و ارتباط: چنانچه نیاز به تغییر و دلایل واقعی تغییر توضیح داده شود، مسیر تغییر موفقیت آمیز، ممکن است هموارتر و زمینه آماده تر شود. تسهیل و حمایت: با آسان کردن فرآیند تغییر و حمایت از افراد در مواجهه با مشکلات اجرای تغییر، مدیران می توانند با مقاومت افراد مقابله کنند. مذاکره و توافق: اگر منافع از دست رفته افراد یا گروه ها در جریان تغییر یا قدرت و نفوذ آن ها چشم گیر باشد، مدیریت باید از مذاکره استفاده کند. تدبیرسازی ماهرانه و جلب همکاری: مدیران و عوامل تغییر باید با جد و جهد خود، افراد یا گروه های کلیدی را تشویق و ترغیب نمایند. ارائه پیشاپیش اطلاعات: مدیران در زمان مقتضی باید دلایل، ماهیت، زمان بندی، ارزش ها، نتایج و آثار تغییر را کاملاً توضیح دهند. برنامه ریزی: تغییر باید پیشاپیش برنامه ریزی شود. تعیین سطح عملکردی پایین، باعث کاهش عملکرد می گردد و سطح عملکردی بالا، به ناکامی می انجامد. حمایت مردم و جامعه از تغییر: مدیران باید در تصمیماتشان در مورد تغییرات از حمایت مردمی و جامعه برخوردار باشند. پاداش: احتمال این که زیردستان در مقابل تغییر مقاومت کنند که از آن به طور مستقیم بهره می برند، به مراتب کم تر است. اجبار (به طور آشکار و پنهان): چنانچه روش های دیگر مؤثر نبودند، مدیریت می تواند از اجبار برای غلبه مقاومت استفاده کند.
مطرح کننده
{مورسی و همکاران (۱۹۸۸)} و {Kotter & Schlesinger (Kotter, Leonard, 1979), 1979} و {لونن برگ و ارنشتاین (۱۹۹۱)} و {Griffin & Moorhead (Moorhead, Griffin, 1992), 1992}

در احادیث به مخالفت با حکومت موعود، حتی از سوی افراد به ظاهر مسلمان و شیعه، اشاره شده است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ضَرَبَ فَسَاطِيطَ مَنْ يَعْلَمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ
فَأَصْعَبَ مَا يَكُونُ عَلَى مَنْ حَفَظَهُ الْيَوْمَ، لِأَنَّهُ يَخَالِفُ فِيهِ التَّأْلِيفَ؛ (مفید، ۱۳۷۲: ۳۸۶)

هنگامی که قائم آل محمد قیام کند، خیمه هایی برپا می شود و مردم قرآن را آن گونه که خداوند عزوجل نازل کرده فرا می گیرند. این امر برای کسانی که قرآن امروز را حفظ کرده اند، بسیار دشوار خواهد بود؛ زیرا با آن چه که الفت داشته و از قرآن مأنوس بوده اند، مخالفت و مغایرت دارد.

در مدیریت موعود، مدیران به جای این‌که درصدد حذف و یا غلبه بر مقاومت برآیند، باید آن را به عنوان وسیله‌ای برای بررسی مجدد قابلیت تغییرات پیشنهادی تلقی کنند. اگر مقاومت، مدیران را به برقراری ارتباط بیش‌تر با کارکنان و ارزیابی مجدد تصمیمات مربوط به تغییر و جست‌وجو برای پیدا کردن راه‌های جدید رسیدن به هدف، وادار سازد، سازنده خواهد بود. در این جا به توضیح بیش‌تر بعضی از روش‌های مقاومت در برابر تغییر می‌پردازیم که در حکومت حضرت مهدی علیه السلام نمود بیش‌تری دارند:



نگاره شماره ۳. ابعاد تغییر در حکومت مهدوی

آموزش و ارتباطات: براساس یک تعریف علمی، ارتباطات «فرآیندی پویا، پیوسته، برگشت‌ناپذیر، تعاملی و زمینه‌ای است» (برکو و ولوین، ۱۳۸۰: ۵). ارتباطات، برخی از مفاهیم، تفکرات و معانی را به دیگران انتقال و یا در میان عموم گسترش می‌دهد (عاشوری، ۱۳۸۷: ۳۳). بهبود مهارت‌های ارتباطی، نیازی است که نسبت به گذشته بیش‌تر شده است. فقدان مهارت ارتباطی، از دست رفتن فرصت‌ها و ایجاد تضاد و مشکلات را باعث خواهد شد (Toad Ba, 2007). بهترین ایده‌ها، استراتژی‌ها و دست‌آوردها، در موقعیت‌های مختلف بدون ارائه مؤثر، بی‌استفاده خواهد ماند و کارایی لازم را نخواهد داشت. در حقیقت کارایی روشی که برای ارائه ایده‌ها به کار می‌رود، به چگونگی استفاده از مهارت‌های ارتباطی بستگی دارد (دکر،

اگر مقاومت به دلیل وجود اطلاعات نادرست و ناکافی به وجود آمده باشد، ممکن است اجرای یک برنامه ارتباطی درباره تغییر مناسب باشد.

حضرت مهدی علیه السلام با تبیین کامل دین اسلام، مردم را با همه جزئیات دینی آشنا می‌سازد و آموزش همگانی را برای آن‌ها برقرار می‌کند.

اهداف حضرت مهدی علیه السلام از جهاد: گسترش توحید، معنویت و عدالت است. بی‌گمان، امام مهدی علیه السلام بر اساس موازین فقهی و اسلامی، پیش از لشکرکشی و آغاز جهاد، اهل کتاب را به اسلام خوانده، اهداف خود از جهاد را به آنان اعلام خواهد فرمود. آن اهداف عبارتند از: گسترش توحید، معنویت و عدالت. رساندن این پیام به گوش جهانیان، با توجه به فن‌آوری موجود در امر اطلاع‌رسانی و ارتباطات، امری ساده خواهد بود.

مشارکت و مداخله: اگر کسانی که تحت تأثیر تغییر قرار می‌گیرند، خود طراح آن باشند، احتمالاً مقاومت در برابر آن کاهش خواهد یافت (مورهد، ۱۳۷۴: ۵۲۳). از طرف دیگر، ایجاد اهداف مشترک، باعث بهبود روابط می‌گردد؛ زیرا با وجود اهداف مشترک، اعضای گروه با یکدیگر مشارکت می‌کنند (Chaturvedi, 2009: 175; Swan, M. M. A; 2007: 370).

مشارکت، بر جنبه‌های انسانی و روانی شخصیت انسان تأکید می‌کند. بنابراین علاوه بر بازده اقتصادی، بهره‌روان شناختی آن نیز زیاد است. مشارکت یک نوع درگیری ذهنی و عاطفی افراد در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا یکدیگر را برای دستیابی به اهداف گروهی یاری دهند (فقیهی، ۱۳۸۴).

شاید بتوان دلیل مشارکت حضرت مسیح علیه السلام در حکومت عدل جهانی را با نکته فوق مرتبط دانست. نزول پیامبر بزرگ خدا یعنی عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان به هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام از حقایق ثابت نزد تمام مسلمانان است و با همه اختلافاتی که در روش‌ها و مذاهب دارند، از اموری است که هرگز درباره آن نمی‌توان شک و مجادله نمود. نزول حضرت مسیح علیه السلام به زمین، از بزرگ‌ترین عجایب، مهم‌ترین حوادث، عظیم‌ترین نشانه‌ها و بزرگ‌ترین دلایل محسوب می‌شود.

ترغیب و جلب همکاری مخالفان: هنگامی که سایر شیوه‌های فایق آمدن بر مقاومت کاربردی ندارند، مدیر می‌تواند اطلاعات، منابع و امکانات موجود را به حیطة اقتدار خود درآورد (مورهد، ۱۳۷۴: ۵۲۴).

مشارکت حضرت مسیح علیه السلام در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام حکمت‌هایی دارد: از آن جا

که مسیحیان به حضرت عیسی علیه السلام اعتقاد دارند و جمعیت زیادی را در جهان تشکیل می دهند، لذا با مشاهده حضرت مسیح و یقین پیدا کردن پاپ و کشیش ها به ایشان، همه به اتفاق حضرت مسیح علیه السلام، به حضرت مهدی علیه السلام می پیوندند و لذا مفسران آیه «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»^۱ را به عصر نزول حضرت مسیح علیه السلام از آسمان در آخرالزمان مربوط می دانند (رضوانی، ۱۳۸۴: ۶۳۸ - ۶۳۹).

استفاده از زور (قدرت): یعنی مدیریت سازمان، گروه های مقاوم را مستقیماً تهدید می کند و آنان را مجبور می سازد تا از مقاومت دست بردارند (رابینز، ۱۳۷۷: ۱۱۳۴).

مؤلفه دوم: مهارت های ارتباطی

رابرت کاتز (۱۹۵۵) مهارت های مورد نیاز مدیران را به سه دسته مهارت فنی، مهارت انسانی و مهارت ادراکی طبقه بندی کرده است. مهارت به توانایی های قابل پرورش شخص اشاره می کند که در عملکرد و ایفای وظایف، منعکس می شود. بنابراین، منظور از مهارت، توانایی به کار بردن مؤثر دانش و تجربه شخصی است. ضابطه اصلی مهارت داشتن، اقدام و عمل مؤثر در شرایط متغیر است (یارمحمدی و زارعی متین، ۱۳۸۱: ۳۹ - ۴۰). مهارت انسانی تنها مهارتی است که مدیران در همه سطوح، باید به میزان یک سان و کافی از آن برخوردار باشند و مفهوم آن عبارت است از: داشتن توانایی و قدرت تشخیص در زمینه ایجاد محیط تفاهم و همکاری و انجام دادن کار به وسیله دیگران، فعالیت مؤثر به عنوان عضو گروه، درک انگیزه های افراد و تأثیرگذاری بر رفتار آنان (Bovee, Thill, Wood, M.B, Dovel, 1993: 22-23).

در حدیثی آمده است: «مؤمن با دیگران انس می گیرد و دیگران نیز با او انس و الفت می گیرند و در کسی که انس نگیرد و دیگران با او مأنوس نشوند، چیزی نهفته نیست» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۰۲). این حدیث نشان دهنده تأکید دین مبین اسلام و شارع مقدس بر یادگیری و آموزش مهارت های ارتباط با مردم است. سیره عملی معصومان و بزرگان نیز بر این امر صحه می گذارد؛ زیرا آن ها الگوی عملی و اخلاقی و چراغ ما در این مسیر هستند. (مدرسی، ۱۳۸۶: ۲۳)

همان طور که می دانیم، جامعه سازمانی بزرگ است و اداره کننده جامعه، باید از مهارت های مدیریتی بالاتر و سطح درک وسیع تری از مسائل پیرامون خود برخوردار باشد و با هر فرد، گروه، حزب و یا دسته، با توجه به سطح فرهنگی شان برخورد کند.

۱. «و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آن که پیش از مرگ خود حتماً به او (حضرت مسیح) ایمان می آورد» (نساء: ۱۵۹).

امام باقر علیه السلام فرمود:

صاحب امر، مهدی نامیده شده به جهت آن که تورات و سایر کتاب‌های آسمانی را از غاری که در انطاکیه واقع شده خارج می‌کند و بین اهل تورات، به تورات و بین اهل انجیل، به انجیل و بین اهل زبور، به زبور و بین اهل قرآن، به قرآن حکم خواهد کرد.
(نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۴۳)

مؤلفه سوم: برابری و عدالت

شهید مطهری در کتاب *عدل الهی*، در توضیح مفهوم عدل در برابر ظلم، به مفاهیمی چون موزون بودن، تساوی و نفی تبعیض، اعطای حق به هر ذی حق اشاره می‌کند (رستمی، ۱۳۸۴: ۱۲۴). در دیدگاه علامه طباطبایی، «عدالت عبارت است از این که به هر صاحب حقی حق خودش داده شود و در جایی که شایسته آن است قرار گیرد.» شهید صدر نیز همین تعریف را برای عدالت ذکر کرده است (کلانتری و قبولی، ۱۳۸۷: ۱۶۰). مدیران در این که بین افراد، احساس وجود انصاف و عدالت را به وجود آورند، نقش کلیدی دارند (Searle, 2004: 708-721).

گرچه برخی ادیان منحرف و آیین‌های شبه دینی، به برتری برخی عناصر و انسان‌ها، بر برخی دیگر معتقدند، مطابق ادله‌ای که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، نژادپرستی در حکومت و دولت حضرت مهدی علیه السلام جایگاهی ندارد. دعوت حضرت بر اساس احکام اسلامی است. اسلام نژادپرستی را آشکارا نفی می‌کند. قرآن می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات: ۱۳)

ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یک دیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

اسلام، دین عموم مردم در عصر ظهور است و به قوم و دسته خاصی اختصاص ندارد. خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (سبأ: ۲۸)

و ما تو را جز [به سِمَت] بشارت‌گر و هشداردهنده برای تمام مردم نفرستادیم؛ لیکن بیش تر مردم نمی‌دانند.

اسلام ملاک‌های جدیدی را برای برتری جویی قرار داده است که هیچ ارتباطی با

نژادپرستی ندارد:

الف) علم:

﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾؛ (زمر: ۹)
بگو: «آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟» تنها خردمندان
پندپذیرند.

ب) تقوا:

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾؛ (حجرات: ۱۳)
در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

ج) جهاد:

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً﴾؛
(نساء: ۹۵)

مؤمنان خانه‌نشین که زیان دیده نیستند، با مجاهدانی که با مال و جان خود در راه
خدا جهاد می‌کنند یکسان نیستند. خداوند، کسانی را که با مال و جان خود جهاد
می‌کنند، به درجه‌ای بر خانه‌نشینان مزیت بخشیده است.

در نتیجه:

۱. دعوت حضرت مهدی علیه السلام و دولت او جهانی است و این نوع دعوت با نژادپرستی
سازگاری ندارد.

۲. مطابق برخی از روایات، دولت حضرت مهدی علیه السلام دولتی متعادل و مخالف با
نژادپرستی است:

- روایاتی وجود دارد که دلالت می‌کند، حکم حضرت بر همگان به طور یکسان شدید و
قاطع است. اگر قرار بر حکومت نژادپرستی باشد، این روایات متواتری معنا خواهد بود.
- روایاتی که دلالت می‌کند، اصحاب خالص حضرت از نژادهای مختلف و از کشورهای
مختلف هستند.

شیخ طوسی از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که درباره اصحاب قائم علیه السلام به فضیل
بن عمر فرمود:

گویا می‌نگرم قائم علیه السلام را بر منبر کوفه که سیصد و سیزده نفر به عدد اهل
بدر، پیرامونش گرد آمده‌اند. آن‌ها مردان جنگاور و حاکمان خدا در زمین برای

خلق اویند. (صدوق، ۱۳۵۹، ج ۲، ۶۷۲، ح ۵۴)

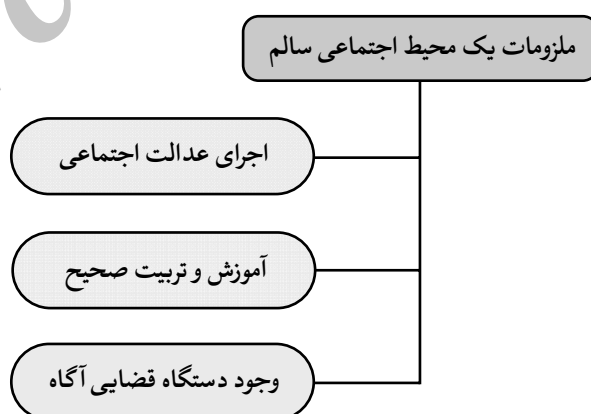
۳. مطابق برخی از روایات، حضرت به سیره رسول خدا ﷺ عمل خواهد نمود. سیره رسول خدا ﷺ نفی هر گونه نژادپرستی بوده است (رضوانی، ۱۳۸۴: ۶۱۳ - ۶۱۶).

حضرت مهدی ﷺ، نه مهدی مسلمانان، که مهدی همه امت هاست؛ او نه مخصوص مسلمانان که برای همگان است. او مظهر رحمت واسعة الهی محسوب می شود و رحمت الهی، همگان را فراگرفته و بهار مردمان و خزمی روزگاران است و خزمی و طراوتش را چونان بهار، به همگان هدیه می کند.

ابعاد عدالت مهدوی: از عدالت مهدوی در مورد معتقدان دیگر ادیان الهی در ابعاد مختلف می توان سخن گفت. عدالت در دعوت (تبیین، دادن فرصت فکر و تصمیم گیری)، عدالت قضایی و عدالت اقتصادی، از ابعاد مختلف برخوردهای عادلانه امام مهدی ﷺ است و این مواجهه، گاه از مرز عدالت خارج و به حوزه احسان وارد می شود. نزول عیسی علیه السلام از آسمان و شرکت دادن آن بزرگوار در تشکیل حکومت عدل جهانی و نیز سپردن نقش محوری به ایشان در کشتن دجال و سفیانی - به عنوان دو جبهه از مهم ترین جبهه های مخالف حکومت جهانی امام مهدی ﷺ - و در نتیجه، شکل گرفتن احساس مشارکت و بلکه مالکیت نسبت به این حرکت جهانی در میان اهل کتاب، از اقدامات محسنانه امام مهدی ﷺ خواهد بود (entizar.ir).

مدیریت قضایی دولت موعود

مؤلفه های مدیریت قضایی دولت موعود در نگاره شماره ۴ آمده است.



نگاره شماره ۴. مؤلفه های مدیریت قضایی در حکومت امام مهدی ﷺ

با مطالعه جرایم، جنایات و مفسد اجتماعی و دقت روی آن‌ها، روشن می‌شود که: اولاً با اجرای عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه ثروت، ریشه بسیاری از مفسد اجتماعی برچیده می‌شود.

ثانیاً آموزش و تربیت درست اثر عمیقی در مبارزه با فساد، تجاوز و انحرافات اجتماعی و اخلاقی دارد.

ثالثاً وجود یک دستگاه قضایی بیدار و آگاه با وسیله مراقبت دقیق که نه مجرمان از چنگ آن فرار کنند و نه از عدالت سر باز زنند نیز عامل مؤثری در کاهش میزان فساد و گناه و تخلف از قانون است.

اگر این سه جنبه دست به دست هم دهند، ابعاد تأثیر آن‌ها بسیار زیاد خواهد بود. از مجموع احادیث مربوط به دوران حکومت مهدی علیه السلام استفاده می‌شود که او از تمام این سه عامل بازدارنده، در عصر انقلابش بهره می‌گیرد. امام باقر علیه السلام فرمود:

هرگاه قائم آل محمد خروج کند، به سنت جدید و قضاوت جدید قیام خواهد نمود.

در این‌که مقصود امام باقر علیه السلام از قضاوت جدید آن حضرت در عصر ظهور چیست، دو احتمال وجود دارد:

۱. مقصود از خطوط جدید، یعنی دارای برنامه‌های بسیار متنوع و پیشرفته برای بشر در عصر ظهور است.

۲. مقصود، داشتن اسلوب جدید در قضاوت و فصل خصومت بین مردم است. همان‌گونه که در روایات به آن اشاره شده که حضرت به حکم داوود علیه السلام عمل خواهد نمود و درخواست بینه و دو شاهد عادل نمی‌کند (رضوانی، ۱۳۸۴: ۶۳۶).

در کتاب *بحارالانوار*، از حضرت امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است:

... بدین جهت مهدی نامیده شد که به امری پنهان هدایت شده، تا جایی که در پی

کسی می‌فرستند که مردم گناهی برایش نمی‌دانند، پس او را می‌کشد. (مجلسی، ۱۳۶۱،

ج ۵۲: ۳۹۰، ح ۲۱۲)

قضاوت امام عصر علیه السلام در بین مردم، نسبت به قضاوت‌های اجداد طاهریین آن بزرگوار علیهم السلام امتیازی خاص دارد؛ ایشان با دانش و اخلاق خود، در مورد حوادث و وقایع قضاوت خواهد فرمود و منتظر شهادت شاهدان و دلایلی که ادعا را ثابت کند نخواهد شد.

طبیعی است که از حضرت مهدی علیه السلام - که می‌خواهد هر ظلمی را از بین ببرد و تمام

ریشه‌های جور را در تمام مکان‌ها و از هر انسانی برکند - توقع نمی‌رود که منتظر بماند تا آن‌که مظلوم به ایشان شکایت برد و از مدعی بخواهد که اقامه بینه کرده، شواهد و مستندات و ... برای اثبات مدعا بیاورد؛ زیرا ممکن است مدعی نتواند دلایل و براهینی را برای اثبات ادعای خود بیابد و یا از اثبات حق خویش ناتوان بماند یا از رد کردن ادعاهای ظالم عاجز باشد. نیز ممکن است ظلم در بسیاری از سرزمین‌های عالم واقع شود و مظلوم نتواند رویداد را به عرض حضرتش برساند و نیز امکان دارد که انسانی مظلومانه ولی مخفیانه کشته شود و کسی از قتل او آگاه نگردد و کسی قاتلش را نشناسد و بدین ترتیب خون او به هدر رود. پس این چگونه عدل و دادی خواهد بود که باید بر پهنه گیتی گسترش یابد؟

در نهایت حضرت مهدی علیه السلام زمین را از عدل و داد آکنده می‌سازد و بر اساس علم شخصی خویش قضاوت می‌فرماید. حضرت صاحب الامر علیه السلام اقامه حد نموده، قصاص و تعزیر را - بر هر کسی که از وی تقصیری صادر گردیده و بر اساس آن مستحق قصاص و یا تعزیر است - جاری خواهد فرمود؛ حتی اگر گواهان گواهی ندهند و بینه‌ای نیز اقامه نشود. حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

آن‌گاه نداکننده‌ای را امر می‌کند که ندا در دهد: این مهدی است که مانند سلیمان و داوود داوری می‌کند و بر آن گواه نمی‌خواهد. زمانی که قائم آل محمد قیام نماید، در میان مردم به حکم داوود حکم خواهد نمود و به بینه نیازی نخواهد داشت؛ چراکه خدای تعالی امور را به وی الهام فرماید. وی بر پایه دانش خود داوری کند و هر قوم را به آن چه مخفی و پنهان نموده‌اند آگاه سازد. (صدوق، ۱۳۵۹، ج ۱، ۳۳۹)

مدیریت اجرایی دولت موعود

عیاشی در تفسیر خود از رفاعه بن موسی چنین نقل کرده است: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر آیه **﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً﴾** (آل عمران: ۸۳) فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٍ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛
(عیاشی، بی تا: ج ۱، ۱۸۳، ح ۸۱)

هنگامی که قائم ما قیام کرد، جایی در روی زمین باقی نمی‌ماند، مگر این‌که در آن جا صدای «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله» بلند می‌شود.

و نیز از عبدالله بن کبیر روایت می‌کند که گفت: از حضرت صادق علیه السلام تفسیر آیه **﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً﴾** را پرسیدم. حضرت فرمود: «این آیه درباره قائم نازل شده است؛ هنگامی که علیه یهود و نصارا و صابئین و

مادی‌ها و برگشتگان از اسلام و کفار در شرق و غرب کره زمین، قیام می‌کند و اسلام را پیشنهاد می‌نماید؛ هرکس از روی میل پذیرفت، دستور می‌دهد که نماز بخواند و زکات بدهد و آن چه هر مسلمانی مأمور به انجام آن است بروی نیز واجب می‌کند، و هر کس مسلمان نشد، گردنش را می‌زند تا آن‌که در شرق و غرب عالم یک نفر خدانشناس باقی نماند.» عرض کردم: «قربانت گردم! در روی زمین مردم بسیار هستند. چطور قائم علیه السلام می‌تواند همه آن‌ها را مسلمان کند و یا گردن بزند؟» حضرت فرمود: «هنگامی که خداوند چیزی را اراده کند، چیز اندک را زیاد و زیاد را کم می‌گرداند.» (همو: ج ۸۲)

نیز از مفضل بن عمر روایت می‌کند که حضرت صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که قائم آل محمد قیام نمود، ۲۵ نفر از قوم موسی که حکم به حق و عدالت می‌کنند، و هفت نفر اصحاب کهف و یوشع، وصی حضرت موسی، و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسی و ابودجانة انصاری و مالک اشتر را از پشت کعبه بیرون می‌آورد. (همو: ج ۳۲، ۲)

این روایت در *ارشاد مفید* هم از مفضل بن عمر با اندکی تغییر نقل شده است. همچنین عیاشی در تفسیر خود از ابوالمقدام از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که در تأویل آیه *﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾* فرمود:

هیچ‌کس نمی‌ماند جز این‌که اقرار به خاتمیت محمد صلی الله علیه و آله می‌کند. (همو: ج ۱، ۱۸۳)

حمران بن اعین نقل می‌کند که امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

گویا دین شما (اسلام) را می‌بینم که آغشته به خون می‌گردد (از بس دشمنان دانا و دوستان نادان، به آن ضربت می‌زنند). نمی‌بینم کسی آن را به حال نخست برگرداند، مگر مردی از ما اهل بیت که در هر سال دو عطا و در هر ماه دو روزی می‌دهد. در زمان وی چنان حکمت و علوم دین از طرف خداوند داده شود که زن در خانه اش مطابق کتاب (قرآن) و دستور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله حکم کند. (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۴۵)

صدور احکام و قوانین

بحث صادر کردن احکام، قانون‌گذاری و تعلیمات لازم در زمینه‌های مختلف، یکی از محورهای بحث درباره حکومت حضرت مهدی علیه السلام است. در دوره آخرالزمان، تمام قوانین غیراسلامی ملغی می‌گردد و مهمل گذارده می‌شود و هرگز به آن‌ها عمل نمی‌گردد. احکام اسلامی (در جامعه حضرت مهدی علیه السلام) که برگرفته از قرآن کریم و سنت نبوی است، جانشین

آن‌ها خواهد شد. این احکام بندگان را سیادت بخشیده، شهرها را آباد خواهد نمود و در جامعه اجرا خواهد گردید.

خلاصه سخن آن‌که تمام امور و احکامی را که رسول خدا ﷺ و حضرت مولی‌المومنین علیؑ در مواضع مختلف و در فرصت‌هایی که داشت اجرا فرمود، حضرت مهدیؑ در روزگار خود اجرا خواهد فرمود (قزوینی، ۱۳۷۵: ۶۰۵).

اصلاحات عمومی

آن حضرت به اقدامات دیگری نیز دست خواهد زد که آن‌ها نیز از اسلام نشئت می‌گیرد؛ مانند ساختن پل و سد، توسعه دادن خیابان‌ها و جاده‌های اصلی، ترغیب مردم برای زنده کردن زمین‌های مرده، بهره بردن از هرچه خدای تعالی خلق فرموده است، همچون معادن مختلف و ...

شیخ طوسی رحمته الله در کتاب *الغیة*، برخی از اصلاحات عمومی را که در عصر حضرت مهدی عجل الله واقع می‌شود، ذکر کرده است. تمام این اصلاحات، به علل و انگیزه‌های حکیمانه‌ای انجام می‌گیرد؛ از جمله: حل مشکل راه‌ها و رفت‌وآمد، از بین بردن پنجره‌هایی که به خیابان‌ها و کوچه‌ها باز می‌شود و منع ایجاد پنجره‌های جدید (زیرا پنجره‌های مشرف بر راه‌ها، نقشی بزرگ در فساد و خیانت‌های زناشویی و نظایر آن دارند)، زدودن سوءاستفاده‌ها در معماری، حفظ حریم‌ها در مهندسی و معماری و امثال آن.

واضح است که خود آن بزرگوار، نقشه تمام این برنامه‌ها را ترسیم می‌کند و به انجام دادنش فرمان می‌دهد. البته معنای این سخن آن نیست که ایشان خود به این امور اقدام می‌کند؛ زیرا نیازی به این کار نیست. فقط کافی است که فرمان‌ها از ایشان صادر گردد تا بلافاصله اجرا شود (همو: ۶۰۵ - ۶۴۶).

دو تحول بزرگ

معصومان عجل الله از تحولاتی بزرگ در حکومت مهدوی خبر داده‌اند؛ از جمله این‌که امام مهدی عجل الله دو کار اساسی انجام دهد: نخست این‌که دولت‌های باطل را سرنگون می‌سازد و دوم این‌که جهان را پراز عدل و داد می‌کند. در دولت مهدی موعود عجل الله و در سایه اجرای درست و کامل تعالیم حیات‌بخش اسلام و احکام جاوید و خردپسند قرآن، به کسی ظلم نمی‌شود و بشر استثمار نمی‌گردد. سطح فکر بشر به عالی‌ترین درجه می‌رسد. بیماری، بی‌کاری، پریشانی و سرگردانی از بین می‌رود و از تمامی منابع و گنج‌ها استفاده

می‌گردد (دژاکام، ۱۳۸۳: ۱۴۶).

کارگزاران دولتی چه کسانی هستند؟

در حکومتی که امام مهدی علیه السلام رهبری آن را به عهده دارد، کارگزاران و مسئولان حکومت نیز باید از بزرگان و نیکان امت باشند. روایات، ترکیب دولت امام مهدی علیه السلام را از پیامبران، جانشینان آنان، تقوای پیشگان و صالحان روزگار و امت‌های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بیان می‌کند که نام برخی از آنان بدین گونه است: حضرت عیسی علیه السلام هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی علیه السلام، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مالک اشتر نخعی و قبیله همدان (تونه‌ای، ۱۳۸۳: ۵۷۴).

تشخت آرا و تشکیل حکومت جهانی

«تضاد منافع» ریشه اصلی برخوردهای خونین و پیکارهای سهمگین حکومت‌ها با یکدیگر است. شاید گفته شود با توجه به تشخت آرا، اختلاف مذاهب، تنوع حکومت‌ها و ناسازگاری آن‌ها با یکدیگر، تشکیل حکومت واحد جهانی ممکن به نظر نمی‌رسد و چگونه می‌توان همه ملیت‌ها را تحت حکومت واحدی جمع کرد؟

پاسخ این است که نه تنها تشکیل حکومت واحد جهانی ممکن و میسر است، بلکه امری حتمی و لازم به نظر می‌رسد و علل و عوامل زیادی در زمینه‌سازی آن دخیلند. خطر جنگ و خون‌ریزی که همواره مانند کابوس وحشتناکی بر سر جوامع انسانی سایه افکنده، تنها با وحدت حکومت در سطح جهان و یکپارچگی همه امت‌ها برطرف می‌شود. به تصریح دانشمندان، «تضاد منافع»، ریشه اصلی برخوردهای خونین و پیکارهای سهمگین حکومت‌ها با یکدیگر است. حال اگر عدل و انصاف برای کل جامعه بشری، شعار حکومت حضرت باشد، همگی به سوی حکومت عدل جهانی سوق داده می‌شوند.

تکامل عقول و ادراکات بشر، یکی دیگر از عوامل تشکیل حکومت جهانی است که آن نیز می‌تواند زمینه‌ساز حکومت جهانی گردد؛ زیرا بشر، هم از ناحیه خود در راه حرکت به سوی کمال و ترقی و تکامل عقلانی است و هم پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام به کمال نهایی نایل می‌گردد، لذا می‌توانند با یکدیگر تآلف کنند و به حکومت جهانی تن دهند؛ زیرا همه تعارض و تزاخم‌ها از ناحیه کم‌عقلی و جهل و کم‌خردی است (رضوانی، ۱۳۸۴: ۵۵۳ - ۵۵۴).

از سوی دیگر، بی‌شک اختلافات مذهبی با نظام توحیدی در تمام زمینه‌ها، سازگار نیست؛ زیرا همین اختلاف برای برهم زدن هر نوع وحدت کافی است.

به عکس وحدت دین و مذهب، یکی از عوامل مهم وحدت است که مافوق همه اختلاف‌ها می‌تواند باشد و نژادها، زبان‌ها، ملیت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون را در خود گرد آورد و از آن‌ها جامعه واحدی بسازد که همگان در آن همچون برادر و خواهر باشند. توحید صفوف در سایه توحید مذهب، یکی از برنامه‌های اساسی آن مصلح و انقلابی بزرگ است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۲۳).

در دوران ظهور، جهان بینی واحدی بر جهان حاکم می‌گردد و راه و روش و برنامه‌ها یکی می‌شود و یکپارچگی و یگانگی واقعی در عقیده و مرام پدید می‌آید و مردم همه یک دل و یک زبان به سوی سعادت و صلاح حرکت می‌کنند. امام علی علیه السلام به مالک بن حمزه فرمود:

... در این زمان، قائم ما قیام کند و همه را بر یک مرام و عقیده گرد آورد.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

فوالله یا مفضل! لیرفع عن الملل والأدیان الإختلاف و یكون الدین کلّه لله؛ (مجلسی، ۱۳۶۱: ج ۴، ۵۳، ح ۱)

به خدا سوگند ای مفضل! [امام قائم] از میان ملت‌ها و آیین‌ها اختلاف را برمی‌دارد و یک دین بر همه حاکم می‌گردد.

جایگاه اقلیت‌ها در دولت مهدوی

در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام حقوق تمام اقلیت‌ها به طور کامل مراعات خواهد شد. اهل کتاب و کسانی که شبیه کتاب دارند، خواهند توانست با انعقاد پیمان ذمه و کسب تابعیت، در قلمرو حکومت اسلامی آزادانه زندگی کنند و از حقوق انسانی خود بهره‌مند گردند. ابوبصیر طی سؤالات گوناگونی از امام صادق علیه السلام پرسید: امام زمان علیه السلام با اهل ذمه چه خواهد کرد؟ حضرت فرمود:

مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آنان پیمان می‌بندد. آنان هم با کمال خضوع، با دست خودشان جزیه می‌پردازند. (مجلسی، ۱۳۶۱: ج ۵۲، ۵۳، ح ۳۷۶، ۱۷۷؛ ۳۸۱، ح ۱۹۱)

بدین ترتیب اهل ذمه در دولت مهدی، از نظر قضایی کاملاً آزاد خواهند بود و در منازعات و اختلافات مخصوص خود، خواهند توانست به دادگاه‌های خود مراجعه کنند و اگر خودشان دادگاه ویژه نداشته باشند و یا با افراد مسلمان اختلاف و نزاعی پیدا کنند، با کمال اطمینان به حاکم مسلمین مراجعه می‌نمایند. همین خوش رفتاری و مسالمت مسلمانان با اقلیت‌های مذهبی در دولت مهدی، سبب خواهد شد که اقلیت‌های مذهبی، به ویژه یهود و نصارا تا پایان

جهان باقی بمانند. ظاهر آیاتی از قرآن «وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى...» (مائده: ۱۴) و «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ» (مائده: ۶۴)، دلالت دارند که آیین یهود و نصارا تا قیامت و در عصر دولت مهدی علیه السلام نیز باقی خواهد ماند؛ ولی در مقابل این آیات و روایات، احادیث دیگری هم وجود دارد که دلالت می‌کند در دولت مهدی علیه السلام غیر از مسلمانان، کسی روی زمین باقی نخواهد ماند. آن حضرت دین اسلام را بر اهل کتاب، عرضه می‌دارد و اگر نپذیرفتند، کشته می‌شوند. چون این روایات، علاوه بر ضعف سند، با قرآن و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اصول مسلم اسلام مخالفت دارد، از درجه اعتبار ساقط است. پس اقلیت‌های مذهبی در عصر حضرت مهدی علیه السلام باقی خواهند ماند و شرایط ذمه را خواهند پذیرفت و تحت حمایت حکومت اسلامی، آزادانه زندگی خواهند کرد؛ دولت‌های باطل همه سقوط می‌کنند و همه قدرت و حکومت جهان، به دست مسلمانان می‌افتد و دین اسلام، بر تمام ادیان غالب می‌گردد و بانگ توحید از همه جا بلند می‌شود.

حیطه و قلمرو دولت مهدوی

وسعت حکومت حضرت مهدی علیه السلام مطابق برخی ادله، بر تمام کره زمین است؛ زیرا هدف از خلقت، مطابق برخی از آیات، رسیدن همه بشر به عبودیت کامل در تمام زمینه‌هاست. در برخی از آیات آمده که حکومت حضرت تمام کره زمین را فرا خواهد گرفت. مطابق برخی روایات که به حدّ تواتر رسیده، حضرت مهدی علیه السلام تمام زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. در برخی از روایات حکومت مهدی علیه السلام به حکومت ذوالقرنین در گستردگی آن، تشبیه شده است. همچنین در برخی روایات آمده که حضرت تمام مناطق روی زمین را فتح خواهد کرد. نعمانی به سندش از ابی حمزه ثمالی نقل کرده است که از امام باقر علیه السلام شنیدم، فرمود:

... خداوند برای او - قائم آل محمد صلی الله علیه و آله - روم و چین و ترک و دیلم و سند و هند و کابل و خزر... را فتح خواهد کرد... (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۴۰)

مطابق برخی روایات، همه مردم روی زمین موحد خواهند گردید و زمین آباد خواهد شد (نک: همو).

مدیریت اقتصادی دولت موعود

در قرآن کریم، امور اقتصادی بخش مهمی از زندگی انسان را به خود اختصاص داده است. (خنیفر، ۱۳۸۵: ۱۳۲)

مکتب اقتصادی اسلام، بر مفاهیم ارزشی و بینش‌هایی متکی است که بر اساس آن‌ها، مقوله کار و اقتصاد اسلامی، با دیگر مکتب‌ها، تفاوت‌های اصولی می‌یابد. این ارزش‌ها و بینش‌ها را در دیدگاه اسلام، نسبت به هستی، انسان، جامعه، ثروت، مالکیت، آزادی و عدالت می‌توان یافت. گرچه این مفاهیم از مقولات ارزشی هستند و در اصطلاح، علمی به شمار نمی‌آیند، با نفوذ در روح و روان و اخلاق مردم و ظهور آن‌ها در رفتار انسان‌ها، نقش فوق‌العاده‌ای در جلوگیری از پیدایش مشکلات اجتماعی و اقتصادی و یا کمک در حل سریع و آسان آن‌ها دارند (همو: ۵۴).

شاید مشکل اقتصاد و مسائلی را که مربوط به آن می‌شود - یعنی، فقر و گرانی و محدودیت تجارت و تورم و ناداری و تولید کم و زیادی تقاضا و نظایر آن - بتوان از مهم‌ترین مشکلات زندگی دانست. آن چه نام برده شد، همه نتایج اقتصاد کافر حاکم بر عالم و خصوصاً در کشورهای اسلامی است؛ آری، اقتصاد کافر و ستمگری که از راه سلب آزادی‌ها و بستن راه‌های زندگی بر انسان‌ها و گرفتن مالیات به‌ویژه مالیات تصاعدی و محروم ساختن مردم از برکت‌های زندگانی، این مشکلات اقتصادی را در اجتماعات بشر ایجاد کرده است (قزوینی، ۱۳۷۵: ۶۲۶).

نظام استعماری حاکم بر اقتصاد جهان امروز، در کنار خود، نظام جنگی ظالمانه‌ای را پرورش می‌دهد که قسمت مهمی از نیروهای فکری و انسانی را که باید به‌طور مداوم و پویا، در جست‌وجوی منابع جدید برای بهسازی زندگی انسان‌ها به تلاش برخیزند، می‌بلعد و نابود می‌کند. اما هنگامی که این نظام و نظام‌های جنبی آن دگرگون شود، نیروها برای استخراج منابع بی‌شمار زمین به کار می‌روند و علم و دانش پیشرو در اختیار این برنامه قرار می‌گیرد و به سرعت منابع تازه‌ای کشف می‌گردد و شکوفایی خاصی به اقتصاد بشریت می‌بخشد. لذا در روایات مربوط به حکومت آن مصلح بزرگ، اشارات پرمعنایی به این توسعه اقتصادی دیده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۹۷ - ۲۹۸).

عدالت اجتماعی + قسط قرآنی = رفاه اقتصادی

برنامه‌های اقتصادی

پدید آمدن رفاه اقتصادی در سطح کل جامعه بشری از برنامه‌ها و اقدامات امام مهدی علیه السلام است. بخش عظیم و مهمی از مسائل عقب‌ماندگی و وابستگی و کمبود مواد غذایی، به دو عامل مرتبط به هم بستگی دارد:

۱. نظام اقتصادی استعمارگر حاکم بر جهان؛

۲. نظام‌های سیاسی حاکم بر جامعه که همواره به زیان ملت‌های خود گام برمی‌دارند.

در رستاخیز ظهور حضرت مهدی علیه السلام این بندها و دام‌ها از سر راه برداشته می‌شود و عوامل سلطه بر فکر و فرهنگ و اقتصاد و سیاست جهانی و کشورها، نابود می‌گردد. احادیث درباره رفاه اقتصادی در زمان ظهور بسیار است و شاید از جمله مسائلی باشد که بیش‌ترین تأکید بر آن شده و شاید پس از اصل عدالت، دومین موضوعی باشد که در آن دوران در جامعه‌ها پدید می‌آید. این دو با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند؛ زیرا اجرای عدالت برای از میان بردن روابط ظالمانه و غاصبانه آکل و مأکول است تا اقویا حق ضعیفان را نخورند و آنان را محروم نسازند. بنابراین، رفاه اقتصادی برای همه، با اجرای اصل عدالت اجتماعی و برپایی قسط قرآنی، امکان‌پذیر است و امام با تحقق بخشیدن به اصول دادگری و عدالت اجتماعی، همگان را به زندگی درست و سازمان یافته می‌رساند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، ... وَ يُطْلَبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ
يَأْخُذُ مِنْ زَكَاتِهِ لَا يُوَجَدُ أَحَدٌ يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ اسْتَعْنَى النَّاسِ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛
(مجلسی، ۱۳۶۱: ج ۵۲، ۳۳۷، ح ۷۷)

هنگام رستاخیز قائم ما، زمین با نور خدایی بدرخشد... و شما به جست‌وجوی اشخاصی برمی‌آیدید که مال یا زکات بگیرند و کسی را نمی‌باید که از شما قبول کند، و مردم همه به فضل الهی بی‌نیاز می‌گردند.

نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

... خداوند برای قائم علیه السلام گنج‌ها و معادن زمین را آشکار می‌سازد... (صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ۳۳۱)

در حکومت حضرت مهدی علیه السلام که مردم به اطاعت خداوند روی می‌آورند و به فرمان محبت خدا گردن می‌نهند، دیگر دلیلی ندارد که زمین و آسمان از برکاتش بر بندگان خدا مضایقه کنند. از این رو، باران‌های موسمی شروع به باریدن می‌کنند، رودخانه‌ها پرآب می‌شوند؛ زمین‌ها حاصل‌خیز می‌گردند و کشاورزی شکوفا می‌شود؛ بیابان‌هایی همانند مکه و مدینه که هرگز سبزی را به خود ندیده‌اند، به یک باره به نخلستان تبدیل می‌گردند؛ دام‌داری گسترش می‌یابد؛ اقتصاد جامعه شکوفا گشته، فقر و تنگ‌دستی رخت برمی‌بندد؛ آبادانی همه جا به چشم می‌خورد و بازرگانی رونقی شایان توجه می‌یابد.

حضرت مهدی علیه السلام علاوه بر برکت‌های زمین و آسمانی، رفاه اجتماعی را با تقسیم اموال،

بخشش دارایی‌ها، ریشه‌کن کردن فقر، رسیدگی به مجروحان و مستضعفان، به ارمغان می‌آورد (تونه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۱۴).

در حدیثی آمده است:

حکومت او شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و گنجینه‌های زمین برای او ظاهر می‌گردد و در سرتاسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند، مگر این‌که [حضرت مهدی علیه السلام] آن را آباد خواهد ساخت!

ویرانی‌های زمین، به دلیل فقدان امکانات و یا کمبود آن‌ها نیست، بلکه به دلیل نبود احساس مسئولیت است. هنگامی‌که این‌ها در پناه یک نظام صحیح اجتماعی برطرف گردد، این آبادی حتمی است، به‌ویژه که از پشتوانه منابع جدید و فوق‌العاده‌ای نیز برخوردار خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۹۸).

اصلاحات اقتصادی

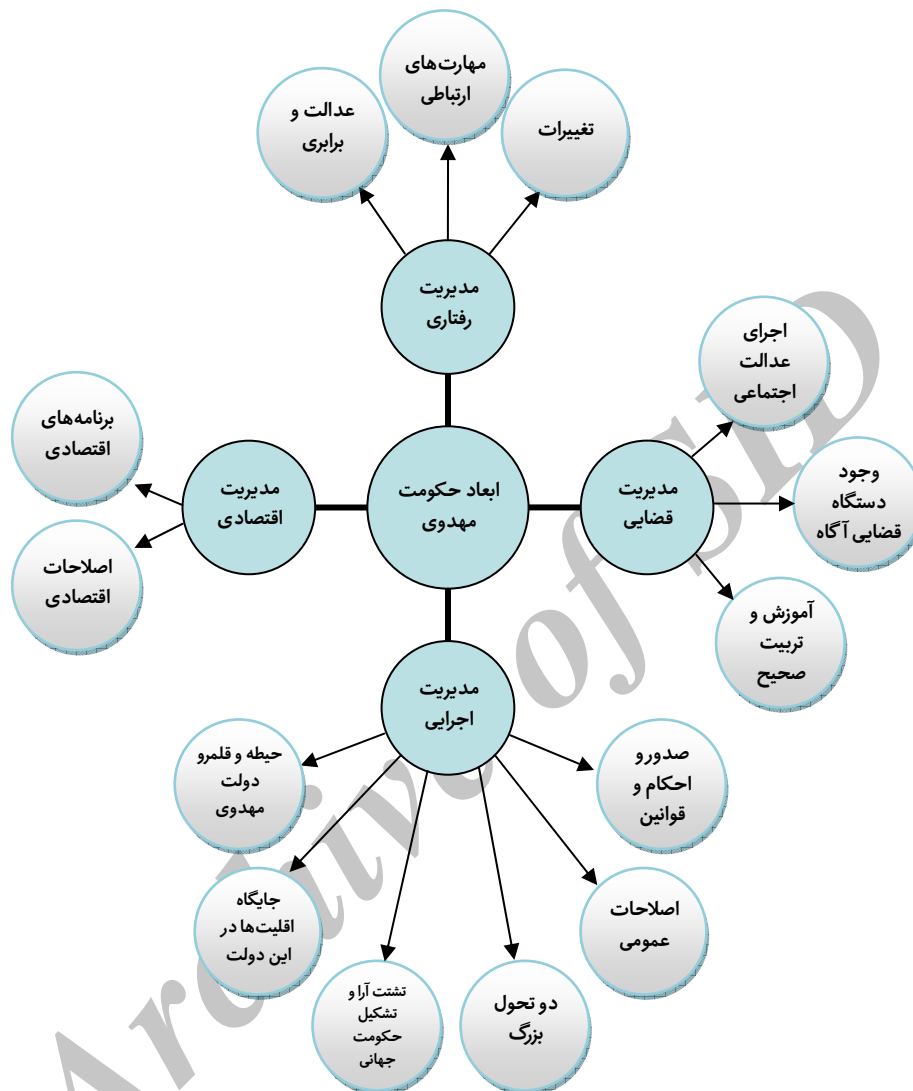
حل مشکلات اقتصادی در اجتماعات بشری، از جمله اصلاحات وسیع و اقدامات عمیقی است که حضرت مهدی علیه السلام به آن خواهد پرداخت. این هدف با اجرایی کردن اقتصاد اسلامی در اجتماع حاصل خواهد گردید. رئوس عمده آن برنامه‌ها عبارتند از:

- مباح نمودن بهره‌وری از آن چه خدای تعالی خلق فرموده است؛
- اعطای آزادی‌ها به مردم در محدوده اسلام؛

- به‌کارگیری توان‌ها و استعدادها و میدان دادن در حد معقول برای آنان که به کار می‌پردازند (قزوینی، ۱۳۷۵: ۶۲۶ - ۶۲۷).

نتیجه

دیرینگی بحث مدیریت از جهت خاستگاه تاریخی، تداوم آن همگام با حیات بشر و امتزاج آن با مبانی دینی در برخی دوره‌ها و گاه‌گرایش‌های اومانیستی خصوصاً در قرون اخیر، هر انسان واقع‌بینی را بر آن می‌دارد که باید یک الگوی ناب و متعالی وجود داشته باشد. این مهم در دین اسلام و آیین تشیع، ذیل عنوان مدیریت آرمانی دولت جهانی موعود علیه السلام مطرح شده و کالبدشکافی این مسئله در این پژوهش و در حد توان صورت گرفته است. به همین دلیل، مؤلفه‌های الگوی مدیریتی عصر موعود بررسی گردید و با اشاره به برنامه‌های مدیریتی نظام موعود، الگوی مفهومی مستخرج از آیات و روایات با لحاظ پنج بُعد اصلی یعنی اجتماعی، اجرایی، رفتاری، اقتصادی و قضایی، بررسی و به آن‌ها استناد گردید.



نگاره شماره ۵. مدل مفهومی مستخرج از آیات و روایات مورد بررسی

مبحث تغییر در حکومت امام زمان علیه السلام و مدیریت مهدوی، از عمده مباحث این مقاله، است؛ از جمله:

«یأتی بسلطان جدید»: روش جدید حکومت منطبق با سنت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم؛
 «یأتی بأمر جدید»: احکام و روش‌ها و برنامه‌های فکری و عقیدتی جدید؛

«یأتی بقضاء جدید»: خطوط جدید با برنامه‌ها و اسلوب جدید در قضاوت؛
«یأتی بسنة جدیده»: روش حکومتی منطبق بر سنت حضرت رسول ﷺ
«یأتی بکتاب جدید»: احیای مفاهیم بلند و والای قرآن بر اساس شأن نزول و تفسیر
دقیق آیات.

اهداف مدیریت و حکومت موعود، از نکات عمده مورد تحلیل در این مقاله است که بر اساس مأموریت جهانی موعود، حضرتش به گسترش مفاهیم توحید، معنویت و عدالت واقعی خواهند پرداخت و ابعاد عدالت در مدیریت و حکومت موعود با استفاده از روایات، جامع‌ترین شکل را خواهد داشت که گستره آن از ابعاد فردی تا ابعاد اجتماعی و از امور فرهنگی تا مسائل اجتماعی و سیاسی و مهم‌تر از همه، بُعد اجرای دقیق و درست عدالت است. عصر سرگشتگی امروز، با مدیریت اجرایی حکومت و مدیریت موعود نسبت به شفافیت صدور احکام، اجرای قوانین، اصلاحات عمومی و حل مشکلات شهری و شهروندی و دغدغه‌های انسان سرگردان، پایان خواهد یافت. اصلاحات عظیم اقتصادی، از نکات دیگر حکومت موعود است.

بُعد ممه‌دین یا فراهم‌آوردندگان زمینه این حکومت، از نکات عمده تمهیدی برای مدیریت آرمانی موعود است که شناخت مأموریت و برنامه موعود، یکی از اساس‌های آن به شمار می‌آید. به این مهم، در روایات متعدد نیز اشاره شده است. با توجه به مطالعات انجام شده، چنین برمی‌آید که آزاداندیشان جهان، کم‌ترین مقاومت را در برابر تغییر عصر موعود نشان خواهند داد و توحید صفوف ملت‌ها در سایه صفوف مذهب از جالب‌ترین نتایج این مطالعه است.



منابع

۱. آقاپیروز، علی و دیگران، *مدیریت در اسلام*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴ ش.
۲. برکو، ریام و دیگران، *مدیریت ارتباطات*، ترجمه: سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰ ش.
۳. بروجردی، محمد ابراهیم، *تفسیر جامع*، تهران، انتشارات صدر، ۱۳۶۶ ش.
۴. تونه‌ای، مجتبی، *موعود نامه (فرهنگ الفبایی مهدویت)*، قم، نشر مشهور، ۱۳۸۳ ش.
۵. جوادی آملی، عبدالله، *عصاه خلقت*، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۸ ش.
۶. خنیفر، حسین، *کارآفرینی در نظام ارزشی*، قم، انتشارات اکرام، ۱۳۸۵ ش.
۷. دژاکام، علی، *مه عاشق‌کش* (حضرت مهدی علیه السلام در آینه پرسش و پاسخ)، تهران، معارف، ۱۳۸۳ ش.
۸. دشتی، محمد، *امام علی علیه السلام و مدیریت*، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۹. رستمی، محمدزمان، «عدالت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی و غربی»، *دوفصل نامه جستارهای اقتصادی*، سال دوم، ش ۴، ۱۳۸۴ ش.
۱۰. رضوانی، علی اصغر، *موعودشناسی*، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴ ش.
۱۱. زارعی متین، حسن؛ شهبازی، مهدی، «فرهنگ سازمانی و نقش جهان بینی و ارزش‌ها در این فرهنگ (۱)»، *درس‌هایی از مکتب اسلام*، سال چهل و سوم، ش ۵۰۷، خرداد ۱۳۸۲ ش.
۱۲. زمردیان، اصغر، *مدیریت تحول (استراتژی‌ها، کاربرد و الگوهای نوین)*، تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹ ش.
۱۳. ساجدی نیا، محمدحسین، *اصول و مبانی مدیریت اسلامی*، نشر منصور، ۱۳۸۲ ش.
۱۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، *اصالت مهدویت*، قم، انتشارات حضرت معصومه علیه السلام، ۱۳۷۵ ش.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹ ش.
۱۶. عاشوری، محمد، «بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی کارکنان و رضایت مشتریان در اداره کل تأمین اجتماعی استان قم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران - پردیس قم، (چاپ نشده)، ۱۳۸۷ ش.

۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.
۱۸. فقیهی، علی نقی، «تربیت در اسلام»، *مجموعه مقالات همایش روان شناسی آرامش روان در اسلام*، تهران، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۴ ش.
۱۹. قزوینی، سیدمحمدکاظم، *امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور*، تهران، نشر آفاق، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای، قم، انتشارات ارم، ۱۳۸۵ ش.
۲۱. قوامی، صمصام‌الدین، *مدیریت از منظر کتاب و سنت*، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳ ش.
۲۲. الکاظمی، مصطفی آل‌السید حیدر، *بشارة الاسلام*، تحقیق: داود المیر صابری، تهران، مؤسسه البعثة، قسم الدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۲۳. کلانتری، عباس؛ قبولی درافشان، محمدتقی، «پژوهشی درباره ملاک تفحص از عدالت مجهول الحال»، *مجله مطالعات اسلامی (ویژه فقه و اصول)*، ش ۸۱/۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ ش.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.
۲۵. کوهن، کارل، *دموکراسی*، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۳ ش.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱ ش.
۲۷. مدرسی، هادی، *دوستی دوستان* (مجموعه معارف اسلامی در هنر رفتار با مردم)، ترجمه: حمیدرضا شیخی و حمیدرضا آذیر، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی، *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹ ش.
۲۹. _____، «تبیین مفهوم مدیریت اسلامی»، *مجموعه مقالات نگرشی بر مدیریت در اسلام*، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
۳۰. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۰ ش.
۳۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الإرشاد*، بی جا، بی نا (چاپ سنگی)، ۱۳۷۲ ق.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، *حکومت جهانی مهدی علیه السلام*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۵ ش.
۳۳. مورهد، گریفین، *رفتار سازمانی*، ترجمه: سیدمهدی الوانی، غلامرضا معمارزاده، تهران، نشر

- مروراید، ۱۳۷۴ش.
۳۴. موسوی اصفهانی، سیدمحمدتقی، مکیال المکارم، ترجمه: سیدمهدی حائری قزوینی، قم، ایران نگین، ۱۳۸۱ش.
۳۵. میرجهانی طباطبایی، حسن، *نواب الدهور فی علائم الظهور*، تهران، کتابخانه صدر، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.
۳۶. نبوی، محمدحسن، *مدیریت اسلامی*، قم، دفتر نشر تبلیغات اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۳ش.
۳۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تحقیق: فارس حسون کریم، قم، انوار الهدی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۳۸. وندال، فرنچ؛ سیسیل، اچ. بل، *مدیریت تحول در سازمان*، ترجمه: سیدمهدی الوانی، حسن دانایی فرد، تهران، صفار، ۱۳۷۹ش.
۳۹. یار محمدی، احمد؛ زارعی متین، حسن، *مبانی مدیریت و فرهنگ سازی*، قم، نشر روح، ۱۳۸۱ش.
40. Abuznaid, Samir, *Islam & Management: What Can Be Learned?*, Thunderbird International Business Review, 2006.
41. Bovee, C. L., Thill, J.V., Wood, M.B. & Dovel, G.P, *Management*, New York: McGraw-Hill, Inc., 1993.
42. Chaturvedi, S. & Gaur A, *A Dynamic Model of Trust and Commitment Development in Strategic Alliances.*, IIMB Management Review, 2009.
43. entizar.ir
44. Gattiker , U. E, *Technology management in organizations*. Newbury Park, CA, 1990.
45. Judith R., Gordon; Monday, Wayne; Sharplin, Arthur; Peremeaux, Shane R., *Management and Organizational Behavior*, Allyn & Bacon, Mass, 1990.
46. Kotter, John p., and Leonard S. Schlesinger, "Choosing Strategies for Change", *Harvard Buainess Review*, March April, 1979.
47. Lawrence, Paul R., *How to deal with Resistance to Change*, *Harvard Business Review* January – February, 2001.
48. McKay, Nobel; Sergei Lashutka, *The Basics of Organizational Change: An Electic Model*, *Training and Development Journal*, 1983.
49. Moorhead, Gregory; Griffin, Rickey W, *Organizational Behavior*, Boston: Houghton Mifflin Co., Third edition, 1992.
50. Searle, R, and Ball, KS 'The development of trust and distrust in a merger', *Journal of Managerial Psychology*, 2004.
51. Stoner, James, A. F.; Wankel, Charles, *Management*, Third edition, NewJersey: Prentice– hall, Inc. Englewood Cliffs, 1986.
52. Swan, W.; Khalfan, M. M. A.; McDermott, P, *The application of social network analysis to identify trust-based networks in construction.*

- International Journal of Networking and Virtual Organisations, 2007.
53. Toad Ba, Improving communication skill - a professional necessity [Online], Available at: http://www.associatedcontent.com/article/403804/improving_communication_skills_a_professional.html, 2007.

Archive of SID

سازمان سنجش

سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۰

۱۸۸